

www.ketab.ir

زندگی و شعر دکتر فتح الله مجتبائی

ای رفته‌های رفته

حسن قریبی



مجتبائی، فتح‌الله، ۱۳۰۶ - ای رفته‌های رفته؛ معرفی و گزیده اشعار دکتر ذبیح‌الله مجتبائی / حسن قریبی - تهران: نشر ثالث، ۱۳۹۸. ۱۰۲ ص.	
شابک ۹۷۸-۶۰۰-۴۰۵-۵۰۰-۰	ISBN 978-600-405-500-0
معرفی و گزیده اشعار دکتر فتح‌الله مجتبائی Persian Poetry-20th Century شعر فارسی - قرن ۱۴ شماره کتابشناسی ملی ۵۹۳۳۷۲۹	
PIR ۸۲۰۳	۱/۶۲ فا ۸



دفتر: خیابان کریمخان زند/ بین ایرانشهر و ماهشهر / پ ۱۵۰ / طبقه چهارم
فروشگاه: ماره یک: خیابان کریمخان زند / بین ایرانشهر و ماهشهر / پ ۱۴۸
فروشگاه: شماره ۱۵ / توبان شهید همت / مجتمع ایران مال / طبقه G3 / شماره ۱۸۳
توبان خیابان کریمخان زند / بین ایرانشهر و ماهشهر / پ ۱۵۰ / طبقه همکف
تلفن گویا: ۷-۶۰۰-۹۷۸-۰۰۰-۰۰۰-۸۸۳۰۲۴۲-۸۸۳۱۰۵۰-۸۸۳۱۰۷۰۰-۸۸۸۶۱۶۶۶

سایت اینترنتی: www.salesspublication.com

پست الکترونیک: info@salesspublication.com sales_sub@gmail.com

■ ای رفته‌های رفته؛ معرفی و گزیده اشعار دکتر فتح‌الله مجتبائی

● حسن قریبی ● ناشر: نشر ثالث

● مجموعه شعر معاصر ایران

● چاپ اول: ۱۳۹۸ / ۵۵۰ نسخه

● لیتوگرافی، چاپ و صحافی: نشر ثالث

● کلیه حقوق محفوظ و متعلق به نشر ثالث است.

ISBN 978-600-405-500-0

● شابک ۹۷۸-۶۰۰-۴۰۵-۵۰۰-۰

پیشگفتار

کار کردن در فرهنگستان زبان و ادب فارسی، برای نگارنده با این اقبال همراه بوده است که بیش از ده سال از عمر را با استادانی بگذرانم که هر یک به تنهایی می‌توانند اعتبار یک مرکز علمی باشند. از این جمع، دکتر فتح‌الله مجتبیائی، استاد شناخته‌شده و صاحب‌سطر در حوزه‌های الهیات و ادیان، زبان و ادبیات فارسی، هندشناسی و زبان‌های باستانی ایران و هند، با آثاری در حوزه‌های دستور زبان فارسی، فراینگ‌زبانی، فلسفه شرق، تصحیح متون و البته ترجمه آثار کلاسیک و شعر معاصر جهان، از بزرگان این جمع به شمار می‌آید.

نیک به خاطر دارم در دوره‌ای که سردبیری خبرنامه فرهنگستان زبان و ادب فارسی را بر عهده داشتم برای تهیه مصاحبه‌ای با استاد در بنیاد ایران‌شناسی قرار ملاقاتی گذاشتم. بعد از گپ و گفت‌های صمیمانه استاد از من خواست شعری بخوانم. اطاعت کردم و غزلی خواندم با این مطلع:

و طوفان اتفاق افتاد کشتی ماند و اقیانوس
شب تاریک و بیم موج و کشتی‌بان بی‌فانوس

تا رسیدم به این بیت:

و اما «پشت دریاها» یقین «شهری‌ست» رؤیایی،
اگر رفتند با رؤیا، اگر ماندند در کابوس

از من خواست که این بیت را تغییر دهم. وقتی گفتم مضمون شعر از سهراب سپهری (۱۳۰۷-۱۳۵۹) است و صورت نوشتاری آن داخل گیومه آمده است؛ لبخندی زد و گفت: می‌دانم، به خود سهراب هم گفته بودم. مشکل تعبیر «پشت دریاها» است. کوه، شهر، خانه و نظایر این‌ها ممکن است پشت و رو داشته باشند، اما تصور پشت و رو برای دریا قدرش دشوار است. دریا زیر و رو دارد، اما پشت و رو ندارد. در باره توجیهات دنباله‌دار آن صحبت کردیم و سپس پرسیدم با هم دوست بودید؟ گفت: همراهی را وقتی هر دو جوان بودیم در حیاط خلوت خانه نادر نادرپور (۱۳۰۸-۱۳۷۹) می‌دیدم. آن‌جا گاهی شب‌ها با شاملو (۱۳۰۴-۱۳۷۴) و نصرالله گاهی (۱۳۰۸-۱۳۷۹) و تقی مدرسی (۱۳۱۱-۱۳۷۶) و علی فیروزآبادی (۱) و یکی دو تن می‌نشستیم و هرکس که شعری داشت می‌خواند. پیش از این هم گاهی فرهنگ ارجمند که نماینده‌نویس خوبی بود نماینده می‌خواند. سهراب هم هر وقت به تهران می‌آمد به این جمع می‌پیوست. «دریا» پرسیدم یعنی انجمن ادبی داشتید؟ خندید و گفت: «نه جانم! بعد از ۲۰ مرداد بود و غالباً فقط شب‌ها همدیگر را می‌دیدیم. بعضی از ما اسم تعقیب بودند. فریدون توللی (۱۲۹۸-۱۳۶۴) هم در آن اوقات در تهران تحت تعقیب و فراری بود و شب‌ها را در خانه‌های بعضی از دوستان و همشهریان شیرازی خود می‌گذراند. گاهی اوقات هم در خانه ابوالحسن ورزی (۱۲۹۳-۱۳۷۳) شاعر که از دوستان وفادارش بود، در میدان کاخ و

تخت جمشید آن روزگار اقامت می‌کرد. بعضی شب‌ها من و نادرپور و جلال آل‌احمد (۱۳۰۲-۱۳۴۸) به مخفیگاه‌های او می‌رفتیم و جمعی از دوستان و همشهری‌های فریدون هم بودند، مثل اسماعیل صارمی (۱۳۰۳-۱۳۸۰) و دکتر مهدی پرهام (۱۲۹۸-)...»

این صحبت‌ها از دکتر مجتبائی‌ای که من می‌شناختم باعث شد تا بیش از دربارۀ این ارتباط‌ها کنجکاوی کنم تا این‌که دریافتم مجتبائی همان روزگاری جزئی از این حلقۀ ادبی بوده و خود نیز دستی بر آتش شمر داشته است. اگرچه گذشت روزگار از او مجتبائی «غیرشاعر»ی ساخت و راز دیگر حوزه‌ها شاخص کرد، لذت آن تجربه‌های آفرینندگی هرچنان با او بود.

این اشتیاق فاضلی فایده‌ای نداشت تا به کتابخانه ملی بروم و با نشانی‌هایی که داشتم در مجلات و مطبوعات آن روزگار مثل: فردوسی، نیروی سوم، خوشه و سفر شری‌های او را جستجو کنم. جستجوی دستی، یعنی ورق زدن مجله‌ها، اگر به دست می‌گرفت ولی گشت‌وگذار در آن احوال لذتبخش بود و خوش‌تر از آن، له‌لله‌هایی بود که شعری از او با نام‌های فتح‌الله مجتبائی، ف. مجتبائی یا نامی دیگر می‌یافتم.

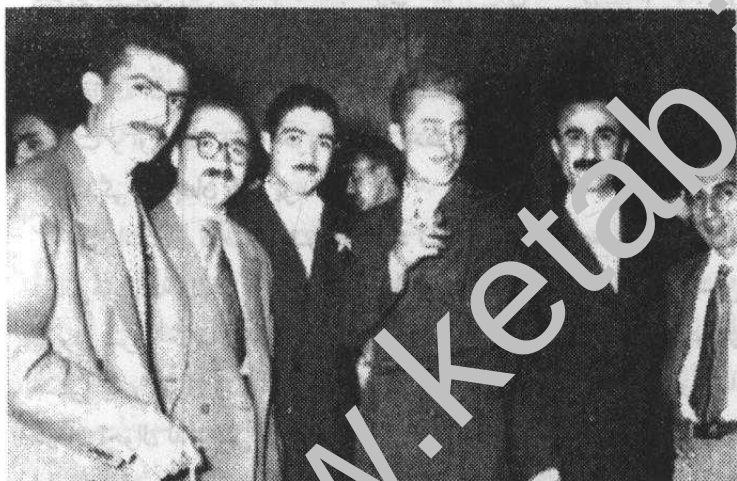
نمونه‌هایی را که فراهم کردم خواند و خاطراتش را به من داد و در نتیجه از لابلای کتاب‌ها و انبوه کاغذها کارهای دیگرش را انتخاب کردم. به من سپرد که برخی از آن‌ها نیز پیش‌تر به صورت پراکنده منتشر و برخی از آنها شمر شده بود.

این مجموعه پیش‌تر به صورت مقاله در جشن‌نامه استاد دکتر فتح‌الله مجتبائی، از طرف فرهنگستان زبان و ادب فارسی (۱۳۹۴) منتشر شد که اکنون شکل بازبینی و تکمیل‌شده آن به صورت این دفتر تهیه شده است. لازم می‌دانم ابتدا از دکتر فتح‌الله مجتبائی و همراهی‌هایش و سپس از

همکاری عزیزانی که به نشر این مجموعه همت گماشتند سپاسگزاری
کنم.

حسن قریبی

بهار ۱۳۹۸



ردیف جلو، از راست به چپ: حسن هنرمندی، ناصر رازی، نصرت رحمانی،

نادر نادرپور، فتح‌الله مجتبائی، اسلام کافور